



مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۳۳)

بیماری هلندی

تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی

۲۹ مهر ماه ۱۳۹۷

پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به کارگیری صحیح این موارد در تحلیل های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش رو، سی و سومین خروجی این ایده می باشد. به منظور بهبود نسخه های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل research-center@iccim.ir مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

مفهوم بیماری هلندی

اصطلاح بیماری هلندی برای نخستین بار در دهه ۷۰ و با مطالعه آثار و پیامدهای کشف گاز طبیعی در هلند به ویژه بر روی صنایع کارخانه های وارد ادبیات اقتصاد بین الملل شد^۱ و بعد از آن، این مفهوم برای هر کشوری که به طور ناگهانی از درآمدهای بادآورده (بدون زحمت و کار) بهره مند شده و به علت سهل نگاری و تسلط مناسبات کوتاه نگر در سیاست گذاری، با آثار سوء حاصل شده از رونق درآمدی، نظیر انواع عارضه های اقتصاد همچون بیکاری، تورم، رکود در تولید کالاهای صنعتی، کاهش صادرات، افزایش واردات و... مواجه شده، به کاررفته است.

با توجه به اینکه وفور منابع طبیعی و رانت حاصل از آن ذاتاً نمی تواند اثرات منفی و بازدارنده ای بر رشد اقتصادی داشته باشد و برخی از کشورها، همچون شیلی، نروژ، استرالیا، مالزی و کانادا به عنوان کشورهایی غنی از منابع طبیعی، با استفاده بهینه از این منابع، نظیر سرمایه گذاری این منابع در گزینه های سودآور، ذخیره این منابع در صندوق های سرمایه و تخصیص این منابع به امور زیر بنایی، رشد اقتصادی خود را به حداکثر رساند. لذا، در اینجا باید تأکید کرد که زمینه های بیماری هلندی در اقتصادهای غنی از منابع طبیعی صرفاً به علت بی توجهی متولیان اقتصاد کلان به ماهیت موقتی و

^۱ نخستین مدل های مرتبط با بیماری هلندی نیز توسط Corden، Neary and Wijnbergen (1986)، (1984)، (1984)، Gregory، Kremers (1986) تشریح شده است.

نوسانی این نوع از درآمدها، در کنار تسلط این ذهنیت بر آنها که هر تنگنایی در نیل به توسعه را می‌توان تنها از طریق تخصیص ارزهای ناشی از صادرات این منابع برطرف کرد، ایجاد می‌شود. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که منابع طبیعی و رانت حاصل از آن ذاتاً دارای اثرات منفی و بازدارنده بر رشد و توسعه اقتصادی نیست، بلکه این چهارچوب نهادی کشورهاست که مسیر استفاده از عواید حاصل از منابع طبیعی را تعیین می‌کند. درواقع، ساختار نهادی ناکارآمد که دولت ناکارآمد و ضعیف و ساختار توزیع قدرت ناکارا ویژگی آن است، استفاده ناکارا از درآمدها را نتیجه خواهد داد و ساختار نهادی کارآمد که دولت کارآمد و قدرتمند و ساختار توزیع قدرت کارا ویژگی آن است، استفاده کارا از درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی را نتیجه خواهد داد.^۱

ضرورت پرداختن به بیماری هلندی

اهمیت توجه به پدیده بیماری هلندی هنگامی آشکار می‌شود که بدانیم، اطلاق بیماری بر محور تجربه هلند صورت گرفته است، یعنی کشوری که بالغ بر ۵۰۰ سال تجربه استعمارگری داشته و در طی این دوران همواره در گروه کشورهای پیشرفته و به لحاظ ساختار نهادی توسعه یافته قرار داشته است. از این رو، باید توجه داشت زمانی که در مورد چنین کشوری، تئوری بیماری هلندی به صورت شفاف و واضح تصریح می‌کند که، شکوفایی ناگهانی یک بخش از اقتصاد و افزایش چشمگیر درآمدهای ارزی ناشی از آن، بیش از آنکه دربرگیرنده فرصت‌های افزایش یافته برای اقتصاد ملی باشد، منجر به ظهور آثار تخریبی و معکوس در اقتصاد خواهد شد و اقتصاد ملی در چنین شرایطی آمادگی غیرمتعارفی برای بیماری و خروج از تعادل سیستمی دارد، اهمیت پرداختن به این مفهوم برای کشوری مانند کشور ایران، که نه بنبه تولیدی هلند را دارد و نه توسعه یافتگی نهادهای آن با کشور هلند قابل مقایسه است، بیش از پیش نمایان می‌شود.^۲

^۱ طاهرپور (۱۳۹۲)

^۲ مومنی (۱۳۸۷)

تاریخچه بیماری هلندی^۱

اصطلاح بیماری هلندی، اولین بار در پی اثرات جانبی اکتشاف و استخراج گاز طبیعی اواخر دهه ۱۹۵۰ (یا اوایل دهه ۱۹۶۰) در هلند مطرح شد. کشف منابع عظیم گاز طبیعی و گسترش استخراج این منبع، سبب شد که هلند از واردکننده گاز به صادرکننده آن تبدیل شود و بهبود عمده‌ای در تراز بازرگانی هلند به وجود آید و در نتیجه عواید ارزی خارجی هنگفت و ناگهانی نصیب این کشور شود، اما این درآمدها اقتصاد هلند را درگیر مشکلات عدیده‌ای (نظیر افت تولید در صنایع داخلی، افزایش نرخ واقعی پول داخلی، تضعیف موقعیت رقابت بین‌المللی صنایع تولیدی چون کشاورزی و صنعت) کرد.

درواقع، پس از اینکه در سال ۱۹۵۸ میلادی منابع عظیمی از گاز طبیعی در هلند کشف شد، تا سال ۱۹۷۶ بیش از ۲ میلیارد دلار به درآمدهای کشور اضافه شد، ضمن اینکه به میزان تقریبی ۳٫۵ میلیارد دلار نیز صرفه‌جویی ارزی حاصل از بی‌نیازی به واردات به دست آمد، اما در این سال نسبت به ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی سرمایه‌گذاری ناخالص شرکت‌ها ۱۵ درصد و استخدام در بخش صنعتی ۱۶ درصد کاهش یافته بود، همچنین نرخ بیکاری از ۱٫۱ به ۵٫۱ درصد افزایش یافته بود. از این رو، می‌توان گفت که شکوفایی بخش گاز در اقتصاد هلند، با کاهش تولید در سایر بخش‌ها همراه شد. همچنین، بهره‌مندی هلند از عواید ارزی ناشی از صادرات باعث شد نیروی کار و امکانات تولید از بخش صنعتی به بخش‌های دیگر مثل خدمات و ساختمان انتقال یابد.

محققان وقوع این پدیده در اقتصاد هلند را چنین توجیه کردند که افزایش درآمدهای حاصل از فروش گاز طبیعی در هلند، موجب ورود منابع متناهی ارز به اقتصاد این کشور شد که این امر نیز با تقویت ارزش واقعی پول هلند، موجب شده کالاهای صادراتی هلند برای خارجی‌ان به نسبه گران و در مقابل واردات برای هلند به نسبه ارزان شود و در نتیجه، تولیدکنندگان و صادرکنندگان هلندی قدرت رقابت‌پذیری و سهم خود از بازار جهانی را از دست دادند. همچنین، روی‌آوری هلند به واردات سبب شد، قیمت کالاهای قابل تجارت، نسبت به کالاهای غیرقابل تجارت در اقتصاد هلند کاهش یابد و در عمل منابع تولید (سرمایه و نیروی کار) به بخش‌های منابع طبیعی و غیرتجاری اقتصاد هلند روانه

^۱ برگرفته از مطالعات جهانی راینی و همکاران (۱۳۸۴)، کهزادی (۱۳۸۴)، عظیمی دخت و احمدی مالوانی (۱۳۹۴).

شود. درنهایت، برآیند تمامی موارد مورد اشاره موجب شد که صنایع اصلی و مهم کشور هلند در نیمه دوم دهه ۷۰، یعنی طی ۱۰ تا ۱۵ سال، قدرت رقابت خود را در سطح بین‌المللی از دست بدهند و توان رقابتی این کشور در صحنه اقتصاد جهانی به شدت کاهش یابد و کشور هلند با کاهش صادرات، افزایش واردات، افزایش شدید بیکاری و درنهایت بحران اقتصادی مواجه شود.

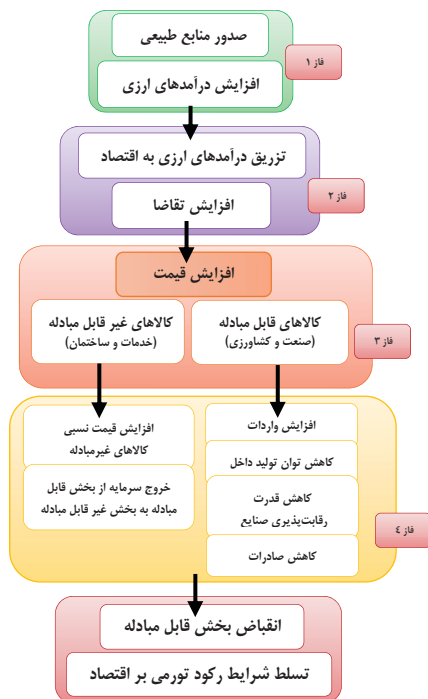
علل پیدایش بیماری هلندی

عارضه بیماری هلندی زمانی رخ می‌دهد که درآمد یک کشور بر اثر شرایط داخلی و یا بین‌المللی به صورت فصلی و ناگهانی افزایش می‌یابد و دولت به‌عنوان متولی اقتصاد کلان، با تصور دائمی بودن این نوع از درآمد، آن را به جامعه تزریق می‌کند. این امر با افزایش تقاضا به صورت ناگهانی باعث به هم خوردن تعادل عرضه و تقاضا شده و در نتیجه قیمت‌ها افزایش می‌یابد.

افزایش قیمت‌ها در یک روند طبیعی، موجب می‌شود تولید با یک تأخیر زمانی افزایش پیدا کند و درنهایت با یک وقفه زمانی عرضه پاسخگوی، مقدار تقاضا باشد. در حالی که، بیماری هلندی از زمانی رخ می‌دهد که دولت به‌عنوان متولی اقتصاد کلان در کشورهای غنی از منابع طبیعی، سعی می‌کند از راه‌هایی غیر از تولید، کاستی به وجود آمده در مقدار عرضه را جبران کند. در شکل شماره ۱، فرم کلی شکل‌گیری بیماری هلندی نشان داده شده است.

با توجه به نمودار مشاهده می‌شود که، هم‌زمان با تزریق درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی به اقتصاد و افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات، به علت نارسایی بخش عرضه برای جوابگویی به تقاضای افزایش‌یافته، قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد و دولت متوسل به واردات کالاهای مصرفی ارزان می‌شود، تا افزایش به وجود آمده در قیمت‌ها را مهار کند، در حالی که صنایع داخلی مجبورند با عوامل تولید گران کالاهای گران تولید و به قیمت ارزان بفروشند. نکته اینجاست که این سیاست نمی‌تواند جلوی تورم را بگیرد. بلکه آن را به بخش‌های دیگر اقتصاد منتقل می‌کند. به‌عنوان مثال می‌توان با واردات کالاهایی نظیر سیب، پرتقال، تیر آهن و... قیمت این کالاها را پایین نگه داشت ولی برخی کالاها مانند زمین و مسکن قابل وارد کردن نیستند و افزایش قیمت این کالاها را نمی‌شود با واردات مهار کرد. در نتیجه قیمت این قبیل کالاها به رشد خود ادامه می‌دهند.

شکل ۱- فرم کلی شکل گیری بیماری هلندی



از زاویه ای دیگر، سرمایه گذاری جدید در آن بخش هایی که از طریق واردات، افزایش قیمت مهار شده، انجام نمی شود و سرمایه ها به سمت کالاهایی مثل زمین و مسکن هدایت می شوند. در نتیجه این امر تقاضای کاذبی برای زمین و مسکن ایجاد می شود و قیمت این نوع از کالاها با سرعت بیشتر و به صورت غیر طبیعی و باور نکردنی رشد می کند.

از این رو، در زمان بروز بیماری هلندی، خروج سرمایه از بخش قابل مبادله به بخش غیر قابل مبادله و کاهش قدرت رقابت پذیری صنایع مشاهده می شود. البته باید تأکید داشت که عوارض ناشی از بروز بیماری هلندی به محض آنکه شکوفایی ایجاد شده در بخش منابع طبیعی از بین می رود با شدت بیشتر در اقتصاد نمایان می شود. در واقع، به محض اینکه فصل افزایش درآمد خاتمه پیدا کند و دولت پولی



نداشته باشد که با آن واردات ارزان را انجام دهد، افزایش قیمت در بخش‌هایی که تا آن زمان به صورت مصنوعی قیمت پایینی داشته‌اند، با سرعتی فزاینده رخ خواهد داد. از آنجاکه صنایع هم به واسطه توسل دولت به واردات فلج شده‌اند، لذا در این شرایط قادر به پاسخگویی به تقاضاهای جدید نمی‌باشند و بر اساس سازوکارهای ارائه شده به طور هم‌زمان در اقتصاد شرایط رکودی و تورمی حاکم می‌گردد، که این مسأله نیز اقتصاد را در ابتدا ناکارآمد و سپس فلج می‌کند. البته هلند این شانس را داشت در زمانی که به این مشکل گرفتار شد، سایه کمونیست، شرق اروپا را فراگرفته بود و کشورهای غربی برای اینکه مبادا هلند هم در دامن کمونیست‌ها بیفتد، کمک‌های بی‌دریغی به این کشور کردند، با این وجود چند سالی طول کشید تا اقتصاد این کشور توانست کمر راست کند^۱.

نقش دولت در پیدایش بیماری هلندی^۲

با توجه به اینکه در کشورهای صادرکننده منابع طبیعی به‌ویژه نفت، درآمدهای ناشی از صادرات این منابع، درآمد دولت محسوب می‌شود. لذا، آثار ورود این نوع از درآمدها به اقتصاد، از کانال تأثیر بر بودجه دولت خود را نمایان می‌سازد. از این رو، چگونگی هزینه کردن این درآمدها از اهمیت زیادی برخوردار است. به عبارتی الگوی سرمایه‌گذاری و تخصیص اعتبارات دولتی در بودجه‌های سالیانه نقش اساسی در چگونگی تأثیر این درآمدها در اقتصاد دارد. در کشورهایی که دولت تنها سعی بر نمایش ارائه خدمات به جامعه دارد و ساختار نهادی جامعه به‌گونه‌ای است که به هیچ ارگان و نهادی پاسخگو نیست، افزایش واردات جهت نمایش کمک به مصرف‌کنندگان به همراه کاهش قیمت کالاهای قابل مبادله سرلوحه قرار می‌گیرد.

در این شرایط، از یک سو دولت، در پاسخ به تقاضای افزایش یافته جامعه و به‌ویژه گروه‌های ذی‌نفع و نمایش توجه به نیازهای جامعه، انبوهی از پروژه‌های عمرانی، بدون انجام مطالعات اقتصادی کلید می‌زند و از سویی دیگر، نوع رفتار دولت در تسهیم رانت منابع طبیعی چه در داخل دولت و چه در خارج دولت موجب ایجاد انگیزه‌های رانت جویی می‌شود. به این صورت که قرارگیری دولت به‌عنوان کانون

^۱ رضاییان جویباری (۱۳۹۴)

^۲ منصف (۱۳۸۷)، مومنی (۱۳۸۵)

توزیع‌کننده رانت منابع طبیعی موجب می‌شود که عاملان اقتصادی برای دستیابی به سود بیشتر به‌جای افزایش نوآوری، کاهش ضایعات و افزایش بهره‌وری، در جستجوی نزدیک ساختن خود به منبع قدرت و ثروت یعنی دولت برآیند. در درون خود دولت نیز، مسأله نحوه توزیع رانت منجر به گسترش فساد مالی می‌شود و تخصیص همراه با اسراف و تبذیر منابع به کاهش شدید انگیزه‌های دانایی می‌انجامد. در این شرایط، اصل تناسب برخورداریه‌ها با شایستگی‌ها تحت‌الشعاع فضای رانتی قرار می‌گیرد و افراد به سهولت درمی‌یابند که برای برخورداریه بیشتر می‌توان به‌جای تلاش شدید و طاقت‌فرسا برای کسب صلاحیت‌ها، تنها کافی است خود را به کانون‌های توزیع رانت نزدیک نمود و از طریق ارتشای مالی و اخلاقی به برخورداریه‌های غیرمتعارف دست یابند.

همان‌طور که بیان شد درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی به‌طور مستقیم و بی‌واسطه وارد اقتصادی نمی‌شود؛ بلکه از طریق بودجه دولت به درون ساختار اقتصاد راه می‌یابد؛ از این‌رو، دولت نقشی اساسی در رابطه با نوع و نحوه اثر رانت حاصل از منابع طبیعی بازی می‌کند. بر این اساس، تا زمانی که دولت در کشورهای غنی از منابع طبیعی رویکرد خود را در رابطه با نوع و ترکیب هزینه کرد و سیاست بودجه‌ای تغییر ندهد و به‌جای توجه به منافع گروه‌های ذی‌نفع و نمایش ارائه خدمت، به گسترش ظرفیت‌های تولیدی و بهبود سطح رفاه اقتصادی اکثریت مردم توجه نکند، درآمدهای حاصل شده از وفور منابع طبیعی نه‌تنها فرصتی برای نیل به توسعه اقتصادی ایجاد نمی‌کند، بلکه کشورهای غنی از این منابع را در سیکل باطل توسعه‌نیافتگی قرار می‌دهد.

پیامدهای بروز بیماری هلندی بر اقتصاد^۱

در اثر وقوع بیماری هلندی، افزایش نرخ واقعی ارز به‌عنوان یکی از نشانه‌های بیماری هلندی رخ می‌دهد و این امر پیامدهایی همچون انبساط واردات، کاهش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی، انقباض صادرات و در نتیجه، از مزیت افتادن تولید در بخش‌های قابل تجارت را به همراه دارد. چراکه تقویت افراطی نرخ ارز در اثر ورود به یک‌باره درآمدهای حاصل از منابع طبیعی به اقتصاد این کشورها، موجب کاهش قدرت رقابت‌پذیری این اقتصادها شده و این امر تأثیر منفی بر تولیدات صنعتی برجای می‌گذارد.

^۱ برگرفته از مطالعات آهنگری و همکاران (۱۳۹۴)، منوچهری‌راد و شمس قارنه (۱۳۹۲)، مومنی (۱۳۸۵).

زیرا، صادرات تابعی نزولی از نرخ ارز واقعی است و واردات تابع صعودی از آن است، در این صورت با افزایش نرخ ارز، هزینه واقعی واردات کاهش و هزینه واقعی صادرات افزایش می‌یابد (هزینه تولید بالاتر از هزینه تولید سایر شرکای تجاری تمام می‌شود) و این امر به نفع واردات و از مزیت افتادن صادرات و تضعیف بخش رقیب واردات عمل می‌کند. برآیند این عمل نیز اثرات مخربی بر بخش قابل مبادله (بخش صنعت) دارد و خنثی‌کننده منافع ایجادشده در بخش رونق یافته است.

از طرف دیگر، بنگاه‌هایی که فعالیتشان معطوف به عرضه کالاها در بازار داخلی است، به این نتیجه می‌رسند، که اگر به جای تولید به امر واردات کالاها بپردازند، مقرون به صرفه‌تر خواهد بود. به این ترتیب، تولید و اشتغال در بخش کالاهای قابل تجارت دچار رکود می‌شود. همچنین، عوامل تولید (سرمایه و کار) از بخش صادرات غیرنفتی به بخش نفت و بخش غیرتجاری سرازیر می‌شوند و کاهش فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی در بخش صادرات غیرنفتی تشدید می‌شود. این تغییر و تحول چشمگیر، امکانات بلندمدت اقتصاد را برای رشد و توسعه کاهش می‌دهد.

شایان توجه است که پیامدهای ناشی از بروز بیماری هلندی زمانی بیشتر نمایان می‌شود که افزایش درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی خاتمه یابد. در واقع، در پی کاهش درآمد حاصل از منابع طبیعی به دلایلی همچون تنزیل بها، کاهش تقاضا و...، دولت‌ها از دامنه اقدامات حمایتی خود کم می‌کنند و در نتیجه، تولیدکنندگان داخلی کشور مفروض در شرایط ضعف به رقابت دشوارتر در بازار جهانی کشانده می‌شوند و این امر نیز نتیجه‌ای جز ورشکستگی و تعطیلی صنایع و از مزیت افتادن فعالیت‌های کشاورزی به ارمغان نمی‌آورد.

از زاویه‌ای دیگر، موقتی بودن این نوع از درآمدها، آثار اجتماعی و اقتصادی خاص خود را نیز به همراه دارد. به این معنا که در شرایط طبیعی با منتفی شدن آن شکوفایی می‌بایست دستمزدها به سطح قبلی خود باز گردد، درحالی که عرضه‌کنندگان نیروی کار در شرایط جدید اقدام به مقاومت در برابر کاهش دستمزدها خواهند نمود، ضمن آنکه مصرف‌کنندگان نیز که طعم رفاه کاذب پیشین را چشیده‌اند، اصولاً باید به تعدیل الگوی مصرفی خود مبادرت ورزند. اما از آنجاکه این تعدیل به کاهش سطح رفاه کوتاه‌مدت آنها منجر می‌شود، در برابر آن نیز مقاومت نشان می‌دهند.

لیکن ماهیت موقتی درآمد ناشی از منابع طبیعی و تسلط مناسبات کوتاه نگر در تخصیص این از منابع، در بلندمدت تبعات زیانباری از قبیل اتلاف منابع، از دست دادن بازار کالاهای صادراتی، مقاومت مصرف‌کنندگان در مقابل تعدیل مصرف، عدم تعدیل بهینه ترکیب تولید و به‌طور کلی تقلیل سطح رفاه اجتماعی نسبت به زمان قبل از بروز پدیده بیماری هلندی را ایجاد می‌کند.

همچنین، باید توجه داشت در صورتی که بخش عمده و اصلی درآمدهای ناشی از این شکوفایی، نصیب دولت شود، گروه‌های منفعت‌طلب اقدام به اعمال فشار بر دولت می‌نمایند تا دولت ناگزیر به هزینه کردن هرچه سریع‌تر این درآمدهای بادآورده شود. در عین حال خود دولت نیز تمایل برای افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی ویژه خود، یعنی کالاها و خدمات عمومی دارد. به این ترتیب بهره‌مندی گسترده دولت از رانت منابع طبیعی و تسلط این رویکرد که همه کاستی‌ها و نارسایی‌ها در مسیر توسعه را می‌توان از محل تخصیص این منابع پوشش داد، به صورت هم‌زمان، موجب تمایل فزاینده دولت به افزایش اندازه و حجم خود و نیز تشدید اضافه تقاضا برای کالاهای غیرقابل مبادله می‌شود. مسأله بسیار مهم درباره دولت آن است که در هنگام کاهش درآمدهای ارزی امکان کاهش حجم دولت و کاهش هزینه‌های مترتب از ساختار گسترده دولتی وجود ندارد و این امر با ایجاد کسری بودجه و به‌کارگیری راهکارهای پر ریسک و تورم‌زا به‌منظور پوشش آن (همانند استقراض از بانک مرکزی، افزایش نرخ ارز، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و ...) می‌انجامد که در بلندمدت نیز این مسأله، جامعه را در معرض انواع بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار می‌دهد. همچنین تکیه دولت بر این نوع از درآمدها از یک‌سو، دقت دولت در کارایی هزینه‌هایش را به حداقل می‌رساند و منجر به نوعی تخصیص همراه با اسراف و تذبذب در انجام هزینه‌های عمومی می‌شود و از طرف دیگر، دولت را از راه‌های منطقی کسب درآمد غافل می‌سازد و راه را برای بروز اقدامات ناهنجار و ضد توسعه‌ای از سوی این نهاد هموار می‌سازد. به‌علاوه، هنگامی که دولت اندازه خود را افزایش می‌دهد و بزرگ شدن حجم آن، امکان جذب بهترین استعدادهای انسانی بدون داشتن توان استفاده کارآمد از آنها را افزایش می‌دهد، خطر بروز شرایطی فراهم می‌شود که در آن اصل تناسب برخورداری‌ها با صلاحیت‌ها مخدوش می‌گردد، که آثار فرهنگی - اجتماعی این پدیده به‌مراتب از آثار اقتصادی آن مخرب‌تر خواهد بود.

نشانه‌های بروز بیماری هلندی در اقتصاد^۱

تشخیص بیماری هلندی در اقتصاد و اثبات این نکته که بیماری هلندی در اقتصاد وجود دارد به‌سادگی امکان‌پذیر نیست، چراکه مسائل اقتصادی اغلب مسائلی چندبعدی می‌باشند. از این رو، برای شناسایی بیماری هلندی علاوه بر اثبات نشانه‌های بیماری، باید ثابت شود که این نشانه‌ها توسط بیماری هلندی و نه عامل دیگر به وجود آمده‌اند. برای مثال، افزایش اندازه بخش خدمات (به‌عنوان یکی از نشانه‌های این پدیده) می‌تواند ناشی از پدیده گذار طبیعی اقتصاد به مرحله فرا صنعتی باشد و یا افزایش نرخ ارز (به‌مثابه نشانه دیگر بیماری هلندی) ممکن است در نتیجه تغییر در مصرف دولت، تغییر در خالص ذخایر ارزی، تفاوت بهره‌وری و یا فساد مالی صورت گرفته باشد. باین‌حال اقتصاددانان و متخصصان امر برای پی بردن به ظهور و بروز بیماری هلندی در اقتصاد و انتقاد از عملکرد دولت‌ها در خصوص نحوه مصرف درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی، از شاخص‌ها و نشانه‌هایی استفاده می‌کنند که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- تقویت پول ملی و افزایش نرخ ارز واقعی
 - افزایش نسبی قیمت کالاهای غیرقابل مبادله (همچون: زمین، مسکن و خدمات)
 - گسترش نامتوازن بخش خدمات
 - کاهش نسبی صادرات کالاهای غیرنفتی به‌ویژه کالاهای صنعتی
 - افزایش واردات و به‌ویژه واردات کالاهای مصرفی
 - کاهش سهم ارزش‌افزوده بخش‌های صنعت و کشاورزی از تولید ناخالص داخلی.
- بنابراین، زمانی که به دنبال رونق منابع طبیعی نشانه‌های مذکور در اقتصاد ظاهر شود، گفته می‌شود اقتصاد مزبور به عارضه یا بیماری هلندی دچار شده است، هرچند ممکن است بخشی از این اتفاقات ناشی از عوامل دیگر باشد.

^۱ برگرفته از مطالعات خضری (۱۳۸۸) و منوچهری‌راد و شمس قارنه (۱۳۹۲).

تجربه نروژ در مقابله با بیماری هلندی^۱

یکی از عواملی که نروژ را از کشورهای عضو اوپک جدا می‌کند، مسأله زمان ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد این کشور است. این کشور در زمانی که نفت در دهه هفتاد کشف شد، کشوری توسعه‌یافته بود، نهادهای اجتماعی نروژ بالغ و سیستم مالی به نسبت گسترش‌یافته‌ای داشت، اگرچه کاملاً آزاد نبود. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که اگر بهره‌برداری از نفت با تشکیل دولت مدرن در نروژ مصادف نشده بود و اگر درآمد نفت تحت مدیریت تشکیلات کاملاً نهادینه شده و رویه‌های قوی جا افتاده نبود، مسیر توسعه نروژ نیز همانند سایر کشورهای غنی از منابع طبیعی نفت شکل می‌گرفت.

کارل^۲ در رابطه با زمینه‌های بروز بیماری هلندی در نروژ تأکید می‌کند که تا حد تعجب‌آوری، تجربه نروژ پس از کشف نفت در دریای شمال در سال ۱۹۶۲، با الگوی رفتاری ایجاد شده در سایر کشورهای صادرکننده نفت شباهت دارد. کارل در این رابطه استدلال می‌کند، «اگرچه ثروت اتفاقی نروژ در سال ۱۹۷۶ زمانی که صادرات نفت شروع شد تا حد قابل ملاحظه‌ای کمتر از سایر کشورها بود و اگرچه، نروژ از این مزیت برخوردار بود که بتواند واکنش نشان دهد، چون ثروت حاصل شده نتیجه کشف و نه افزایش ناگهانی قیمت نفت بود، اما واکنش اولیه سیاست‌گذاران زمانی که درآمدهای دولت از صادرات نفت جهش کرد و از ۱٫۵ میلیارد کرون در ۱۹۷۰ به ۱۴٫۵ میلیارد کرون در ۱۹۷۵ رسید، تفاوتی با واکنش کشورهای درحال توسعه نفتی نداشت، چراکه مخارج عمومی دولت در سال ۱۹۷۶ به بیش از ۱۷٫۵ درصد نسبت به سال قبل رسید و سپس به آهستگی تا سال ۱۹۷۹ رشد کرد».

همچنین، کارل در این زمینه تشریح می‌کند که همراه با مخارج عمومی بالا، انتظارات نیز افزایش یافت و حزب کارگری که تقریباً به مدت پنجاه سال حکومت می‌کرد، تملک درآمد نفت را فرصتی برای رسیدن به سه هدف اصلی خود یعنی اشتغال کامل، برابری بیشتر از طریق باز توزیع درآمد نفت و گسترش دولت رفاه دید. در واقع، حزب کارگری با استفاده از منابع حاصل از صادرات نفت، مخارج خدمات اجتماعی، مستمری بازنشستگی، اشتغال دولتی و نیز دستمزدهای واقعی را افزایش داد و همچنین یارانه‌های عظیمی به بخش کشاورزی و صنعت (به‌ویژه کشتیرانی، ماهیگیری و تولیدات

^۱ برگرفته از مطالعات کارل (۱۳۸۸) و العقلی (۱۳۹۰).

^۲ Karl

کارخانه‌ای) اعطا کرد. اثر کامل این سیاست‌ها گسترش عظیم بخش عمومی و رونق در مصرف بود که مشکلات عدیده‌ای را برای نروژ ایجاد کرد.

نرخ تورم از سال ۱۹۷۵ به شدت افزایش یافت به طوری که از حدود ۷ درصد (میانگین قبل از رونق دهه ۱۹۷۰) به ۱۴ درصد رسید. همچنین کسری حساب جاری این کشور به بیشترین میزان (مبلغ کسری معادل ۵۰۵۳ میلیون لار) در سال ۱۹۷۷ رسید. عارضه بیماری هلندی ظاهر شد چون سهم کشاورزی از ۶٫۱ درصد به ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی و سهم تولیدات کارخانه‌ای از ۲۰ درصد به ۱۵ درصد بین سال‌های ۸۲-۱۹۷۷ کاهش یافت. همچنین، بهره‌برداری از نفت فلات قاره به تضعیف موقعیت رقابتی نروژ در میانه دهه ۱۹۷۰ منجر شد، زیرا دستمزدها حدود ۵۱ درصد در دوره ۷۶-۱۹۷۴ افزایش یافته بودند، بدون آنکه بهره‌وری نیروی کار افزایش یافته باشد و این مسأله موجب افزایش هزینه‌های تولید کالا در نروژ نسبت به سایر کشورها شده بود و لذا، گران تولید شدن کالاها در نروژ نسبت به سایر شرکا به کاهش پیوسته ارزش صادرات تولیدات کارخانه‌ای در نروژ دامن می‌زد. در نهایت، نمایان شدن این نشانه‌ها و عوارض که گواهی بر وقوع بیماری هلندی در اقتصاد نروژ بود، همگام با افت شدید قیمت نفت در اواخر دهه ۱۹۸۰، اقتصاد نروژ را با رکود اقتصادی مواجه کرد که چندین سال به طول انجامید.

در این راستا دولت نروژ به منظور گذار از بیماری هلندی و کاهش وابستگی اقتصاد خود به منابع حاصل از صادرات نفت مجموعه سیاست‌هایی زیر را اجرایی کرد.

- **اولویت بخش‌های قابل تجارت غیر نفتی:** با تبدیل شدن نروژ به تولیدکننده نفت در دهه ۱۹۷۰، این کشور سیاست‌گذاری خود را با محور تضمین رقابت بلندمدت بخش‌های قابل تجارت غیر نفتی در راستای حفظ اشتغال بلندمدت متمرکز کرد.

- **نقش مهم گروه‌های اجتماعی در مخالفت با ورود سریع درآمدهای نفتی:** ظرفیت برتر نروژ در کنترل تأثیر نفت بر نهادهای موجود نیز آشکار است. این توانایی نه فقط به علت حرفه گرایی خدمات کشوری بلکه به دلیل وجود گروه‌های ذی‌نفع مستقر شده غیر نفتی بود که قادر به ابراز کردن نگرانی‌های خویش در بستری دمکراتیک بودند. در واقع، بحث و مجادله در مورد سرعت مناسب توسعه که در سایر کشورهای نفتی فقط پس از ظهور عواقب ناگوار رونق درمی‌گرفت یا

اصلاً در نمی‌گرفت، در نروژ قبل از اینکه درآمد نفت تأثیر جدی بر اقتصاد بگذارد، شروع شده بود. اکثر نیروهای سیاسی و اقتصادی متشکل نظیر صنایع شیلات، گروه‌های زیست‌محیطی و کشاورزان، مخالفان اصلی توسعه نفتی در نروژ بودند و نگرانی‌های خود در زمینه توسعه مبتنی بر نفت و آثار آن بر زندگی جوامع نروژ را به‌آسانی در بستر دموکراتیک ابراز می‌کردند. این نگرانی‌ها از طریق مجلس و هیئت دولت به‌سرعت به کارکنان دولتی انتقال می‌یافت و گرایش دولت به بهره‌مندی از منابع نفت بر اساس اصول احتیاط، اعتدال و برنامه‌ریزی درازمدت را تقویت می‌کرد.

- **تلاش در جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های مالی غیرنفتی:** شاید بارزترین تفاوت در رفتار دولت نروژ این است که سعی کرد تا از ظرفیت مالی غیرنفتی دولت حمایت کند. در واقع، دولت نروژ در مقابل این وسوسه که اجازه دهد تا منابع حاصل از صادرات نفت، از طریق پایین آوردن مالیات جایگزین سایر ظرفیت‌های مالی غیرنفتی دولت شود، مقاومت کرد. برخلاف سایر صادرکنندگان، این کشور موفق به حفظ پایه مالیاتی داخلی شد، اگرچه در این زمینه مقداری افت مشاهده شد. اما، مالیات‌ها تصاعدی باقی ماند و درآمدهای نفت که نابرابری‌های درآمدی گسترده در سایر کشورهای صادرکننده نفت به وجود آورد بود به توزیع عادلانه‌تر درآمد در نروژ کمک کرد.

- **ایجاد صندوق ذخیره منابع نفت در سال ۱۹۹۰:** دولت نروژ با ایجاد صندوق ذخیره منابع نفت، به‌جای اینکه منابع حاصل از صادرات نفت را جایگزین مالیات ستانی غیرنفتی کند، آن را ذخیره کرد. در واقع، دولت نروژ با تشکیل صندوق ذخیره منابع نفت نه تنها از انتشار نوسانات به اقتصاد جلوگیری کرد، بلکه با پس‌انداز کردن بخشی از این منابع در صندوق، برای پرداختن به نیازهای آینده و یا بهره‌مندی در زمان‌های کاهش احتمالی در دریافتی‌های نفتی، از بروز مجدد بیماری هلندی به اقتصاد جلوگیری کرد. صندوق ثروت نروژ در سال ۲۰۱۵ یکی از بزرگ‌ترین صندوق‌های ثروت در دنیا بوده و این کشور و کشور نروژ از طریق منابع این صندوق بیش از ۸۲۰ میلیارد دلار در سهام، اوراق قرضه خارجی و مستقالات در نقاط مختلف جهان سرمایه‌گذاری کرده است.^۱

¹ The Sovereign Wealth Fund Institute (SWF), 2015.

بر این اساس، اجرای مجموعه سیاست‌های مورد اشاره موجب شد که وابستگی اقتصاد نروژ به منابع حاصل از صادرات نفت کمتر از ۶ درصد گردد و بخش عمده‌ای از درآمدهای حاصل از صادرات نفت در صندوق ذخیره منابع نفت وارد شود. همچنین، بررسی‌های صورت گرفته در متغیرهای کلان این کشور گویای آن است که از زمان اجرای مجموعه سیاست‌های مورد اشاره، تورم نروژ نزولی و به زیر پنج درصد رسیده و نرخ ارز مؤثر روندی یکنواخت و بدون فراز و فرود شدید پیموده است. همچنین، رشد هزینه‌های دولت نروژ اندک و به‌طور متوسط ۳٫۲ درصد در طی سه دهه گذشته بوده و کسری بودجه دولت نروژ مشخص و محدود شده است.^۱

تفاوت نروژ با سایر کشورهای نفتی

در این رابطه باید اشاره کرد که عوارض وقوع بیماری هلندی در نروژ به همان شدت کشورهای در حال توسعه صادرکننده نفت نبود. باینکه دولت تغییر یافت^۲، نروژ هیچ تغییر رژیم را تجربه نکرد و قادر به حمایت از برخی صنایع سنتی مثل سیمان، آلومینیوم، الوار و کاغذ بود. همچنین، نروژ برخلاف همه صادرکنندگان نفتی، کنترل قابل توجهی بر سیاست نفتی بر اساس اجماع پیدا کرد و کشور را در برابر نفتی شدن افراطی محافظت کرد. در واقع، ساختارهای دولتی و کاملاً نهادینه‌شده نوعی مقاومت سازنده در برابر تأثیر شدید گنج نفت ایجاد کرد که به این راحتی در دسترس کشورهای در حال توسعه نبود. برخی ویژگی‌های نروژ که موجب مدیریت عوارض منفی درآمدهای نفت بر اقتصاد این کشور شد، عبارتند از:

- ساختارهای نهادی متفاوت با کشورهای نفتی پیش از رونق نفت: در واقع، شرکت‌های نفتی که بسیار مشتاق بهره‌برداری از منابع خارج از حوزه اوپک بودند با کشوری فقیر، دولتی

^۱ پناهی‌نژاد و شیغیعی (۱۳۹۲).

^۲ در واقع، فراگیر و گسترده بودن مشکلات اقتصادی نروژ در طی سال‌های ۷۸-۱۹۷۵ منجر به تغییر و تحول سیاسی و کنار گذاشتن حزب کارگری در انتخابات شد و حزب محافظه‌کار سرکار آمد. لذا، در سال ۱۹۸۱ حزب محافظه‌کار نیروی مسلط در کشور شد و به نیم قرن سلطه حزب کارگر پایان داد. از آنجایی که که محافظه‌کاران قادر به برآمدن از وظیفه دشوار هدایت کشور نبودند و در این شرایط، افول صنایع فقط با افزایش صادرات نفت به ۶۰ درصد از کل صادرات در سال ۱۹۸۲ پوشانده می‌شد، پایان حکومت خویش را در سال ۱۹۸۶، یعنی زمانی که قیمت نفت سقوط کرد مشاهده کردند.

ضعیف، نیروهای اجتماعی توسعه‌نیافته یا حاکمی غارتگر و خودکامه برخورد نکردند. زیرا، نروژ در دهه ۱۹۶۰ و پیش از کشف نفت توانسته بود یکی از ثروتمندترین، برابرترین و دموکراتیک‌ترین کشورهای جهان شود. نروژ با در نظر گرفتن وسعت جغرافیایی، یکی از کم‌جمعیت‌ترین کشورهای اروپایی بود که از ویژگی همگنی نسبی فرهنگی، سطح نسبتاً پایین شهرنشینی و اقتصاد متنوع مبتنی بر کشاورزی، جنگل، شیلات، کشتیرانی و تولیدات کارخانه‌ای برخوردار بود. بیکاری تقریباً در این کشور وجود نداشت، رشد در طی دو دهه پیوسته و ملایم بود و فقر به دست دولت رفاه که پایه مالیاتی متنوع داشت، به کلی محو شده بود.

- **شکل‌گیری دولت مدرن قبل از استخراج نفت:** دولت در نروژ بسیار نزدیک به دولت ایده آل وبری (منظور بروکراسی عالی) بود^۱ و با اقتدار قانونی عقلایی فعالیت می‌کرد. قوی‌ترین ریشه‌های این دولت حداقل به سال ۱۶۸۰ برمی‌گشت و جایگاه قانونی آن در نخستین قانون اساسی مستقل کشور در ۱۸۱۴ به رسمیت شناخته شده و مورد احترام بود. از این‌رو، در دهه ۱۹۷۰، زمانی که نفت کشف شد، تشکیلات بخش دولتی به‌طور مستقل و کاملاً کارا تشکیل شده بود.

- **درجه بالای حکمرانی:** خدمات کشوری نروژ از چندین ویژگی برخوردار بودند: نخست، استخدام نیروها بر اساس شایستگی؛ که موجب می‌شد کارکنان دولتی از بین تحصیل کرده‌ترین گروه‌های نخبه جامعه انتخاب شوند و مشاغل دولتی اعتبار بالایی داشته باشند. از این‌رو، حقوق و مزایای بالای مشاغل دولتی شایسته‌ترین افراد را وارد این بخش می‌کرد. دوم، مصون بودن کارمندان دولتی از اعمال نفوذ بیرونی؛ ارتقای شغلی بستگی به پیشنهاد مقامات بالاتر داشت و افراد بیرونی به‌ندرت می‌توانستند بر این انتخاب تأثیر بگذارند. اگرچه بوروکرات‌ها عضویت بیشتری در احزاب سیاسی، سازمان‌های ذی‌نفع و سایر فعالیت‌های عمومی نسبت به کل جمعیت داشتند، ضوابط قوی باعث می‌شد مداخلات خودسرانه رهبران سیاسی با گروه‌های متشکل (احزاب سیاسی و سازمان‌های ذی‌نفع)، غیرقانونی باشد و اگر اقداماتی از این نوع صورت می‌گرفت مورد انتقادات شدید مجلس و رسانه‌های عمومی قرار می‌گرفت. سوم، نبود فساد؛ از قرن هجدهم، سازوکارهای

^۱ ماکس وبر، جامعه‌شناس نامدار آلمانی، مدل ایده‌آل بوروکراسی خود را بر اساس پرداختن به نوعی سازمان که دارای اقتدار قانونی - منطقی است بنا نهاده است.

قوی پاسخگویی شامل دادگاه‌های ویژه و دسترسی عموم به اسناد و حتی ضوابط قوی‌تر چنین رفتاری را منتفی می‌ساخت. چهارم، رفتار محتاطانه و تدریجی کارکنان دولتی؛ که بر پایه تخصص و روال سازمانی قوی قرار داشت.

- **دمکراسی باز و مشارکتی نروژ:** رژیم این کشور اگرچه با سلطه حزبی واحد (حزب کارگر) شناخته شده بود، اما سیستم منظم صنفی که در آن انجمن‌های کارگری، کارآفرینان، کشاورزان و ماهیگیران با همدیگر و با دقت بر سر اولویت‌های توسعه کشور چانه‌زنی می‌کردند، ایجاد شده بود. در نروژ این فعالان اقتصادی با دقت حوزه اختیارات و امتیازات ویژه را تعریف می‌کردند، دقیقاً همان‌طور که کارکنان دولت درون چارچوب‌های کاملاً نهادینه شده گروه‌های متشکل فعالیت می‌کردند. در نتیجه توازن نیروها، فشار به سمت سیاسی شدن تصمیمات را کاهش می‌داد. در این محیط استثنایی مطلوب شیوه سیاست‌گذاری غالب بر احتیاط کردن در مواجهه با تغییر، احترام گذاشتن به رویه‌های اداری استاندارد، بخش‌بندی مطابق با حوزه مسائل، اجماع‌سازی و برابری تأکید داشت.

بنابراین کشف ذخایر عظیم نفت و گاز در چنین بستری اتفاق افتاد؛ بستری که توضیح دهنده تفاوت آشکار وضعیت کنونی این کشور با عمده صادرکنندگان نفتی است. در این کشور، شرکت‌های چندملیتی مجبور به چانه‌زنی با نمایندگان در چارچوب بوروکراسی دولتی کاملاً توسعه یافته بودند. همچنین طراحی چارچوبی برای مدیریت صنعت نفت مستلزم درجه بالایی از پیچیدگی و مهارت در برنامه‌ریزی و اداره امور بود که نروژ، برخلاف سایر صادرکنندگان نفت، به میزان فراوان در اختیار داشت. بنابراین همچنان که شرکت‌های نفتی با دولت مذاکره می‌کردند، بنابراین عدم آشنایی کارمندان عالی‌رتبه دولتی به هنگام مذاکره با شرکت‌های نفتی، در واقع با تخصص، احتیاط و فسادناپذیری آنها جبران می‌شد. در واقع این افراد برخلاف هم‌تایان خود در کشورهای در حال توسعه تعجیلی برای شروع تولید نفت نداشتند. چراکه در اقتصاد نروژ که از نرخ رشد مناسبی برخوردار بود، نفت به عنوان بخشی حاشیه‌ای دیده می‌شد و لذا تا زمانی که ساختارهای نهادی لازم برای آغاز به کار این بخش، مهیا نشده بود، فشاری برای شتاب بخشی به شروع فعالیت آن وجود نداشت.

بیماری هلندی در اقتصاد ایران

ضرورت پرداختن به بیماری هلندی در ایران

همان‌طور که خاطرنشان شد، بیماری هلندی بیشتر در کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی و ضعیف به لحاظ ساختارها اتفاق می‌افتد. کشور ایران با دارا بودن حدود ۱۰ درصد از ذخایر نفت جهان، بعد از عربستان دومین تولیدکننده نفت در بین کشورهای اوپک محسوب می‌شود و طی سالیان متمادی از این نوع از درآمدها به‌وفور بهره برده است^۱. از این‌رو، ساختار اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صدور نفت وابستگی بالایی دارد. بر این اساس، انتظار می‌رود که اقتصاد ایران به‌عنوان اقتصادی که بخش عظیمی از درآمدهای دولت در آن از طریق فروش نفت حاصل می‌شود، با عوارض بیماری هلندی مواجه باشد. از این‌رو، پرداختن به عارضه هلندی و راهکارهای جلوگیری از آن ضمن آنکه می‌تواند بابتی به‌منظور شناسایی کانال‌های اثرگذاری این بیماری بر اقتصاد کشور باشد، می‌تواند به‌عنوان گامی هرچند کوچک در راستای پاسخ به این سؤال باشد که چرا کشور ایران، با وجود برخورداری از منابع غنی نفت، که در نگاه اول عامل مهمی برای تجهیز منابع سرمایه‌ای به شمار می‌آید، از رشد اقتصادی مناسب و پایدار برخوردار نیست؟

تاریخچه بروز بیماری هلندی در اقتصاد ایران

اولین شواهد ورود بیماری هلندی به اقتصاد کشور به سال ۱۳۵۳ برمی‌گردد. در این سال تحت تأثیر چهار برابر شدن قیمت نفت، بودجه عمومی کشور به دو برابر افزایش یافت و دولت پهلوی در آن زمان با طرح شعار آموزش رایگان و کاهش قیمت کالاهای اساسی نه‌تنها انتظارات عمومی را افزایش داد، بلکه، ادامه حیات خود را به منابع حاصل از نفت گره زد. به‌نحوی که پیگیری این رویه توسط دولت پهلوی موجب شد که سهم نفت در بودجه عمومی دولت از ۶۰ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۸۶ درصد در سال ۱۳۵۳ افزایش یابد.

همچنین، افزایش واردات و غفلت از صادرات غیرنفتی در این دوره، موجب شد که عملاً صادرات غیرنفتی نقش خود را در تأمین منابع ارزی کشور از دست بدهد و اقتصاد کشور در حوزه ارزآوری نیز

^۱ رمضان‌زاده ولیس و مومنی (۱۳۹۲).

به‌شدت به نفت وابسته گردد. به‌نحوی که نه‌تنها سهم درآمدهای نفتی از درآمدهای صادراتی، از ۷۴ درصد در اواسط دهه ۱۳۴۰ به ۸۴ درصد در اواسط دهه ۱۳۵۰ افزایش یافت. بلکه، کسری تراز بازرگانی غیرنفتی نیز همواره رو به گسترش بود و از منفی ۴,۱۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۲ (سال شکوفایی درآمدهای نفتی) به منفی ۱۳,۳۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت.

از زاویه‌ای دیگر، باید اشاره کرد که وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی در این دوره، رشد اقتصادی را متأثر کرد. به‌نحوی که به‌رغم کسب رشد اقتصادی ۱۲,۸ درصدی در سال‌های ۵۱-۱۳۴۷ (سال‌های برنامه دوم)، در طی سال‌های انفجار درآمدهای نفتی (سال‌های ۵۵-۱۳۵۲)، رشد اقتصادی به ۹,۴ درصد کاهش یافت و هم‌زمان با کاهش ۱۴ درصدی درآمدهای نفتی در طی دوره ۵۷-۱۳۵۵ نه‌تنها رشد اقتصادی منفی ۴,۹ درصد گردید، بلکه تورم ۳۵ درصدی در سال ۱۳۵۷ موجب شد که اقتصاد کشور شرایط رکودی همراه با تورم را تجربه کند. این در حالی بود که دولت در آن زمان خود را متعهد به صرف هزینه‌های هنگفت عمومی کرده بود و کاهش درآمدهای نفتی به دلیل کاهش قیمت نفت سبب کاهش توانایی عملی دولت در پاسخ به مطالبات عمومی می‌گردید.^۱

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت با وفور درآمدهای نفتی در سال ۱۳۵۳، شخص شاه و نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، دچار این توهم گردید که گویی با اختیار داشتن درآمدهای ارزی چشم‌یافته، دیگر هیچ مانعی بر سر راه پیشرفت سریع کشور وجود ندارد و نیل به توسعه از مسیر درآمدهای نفتی امکان‌پذیر است. اما، همان‌طور که ملاحظه شد، تأکید بر رویه‌های انبساطی در هزینه کرد این درآمدها، نه‌تنها اقتصاد کشور را در ابعاد گوناگون به نفت و درآمدهای حاصل از صادرات نفت وابسته کرد، بلکه با تغییر ترکیب تولید به ضرر کالاهای قابل‌مبادله شامل محصولات صنعتی و کشاورزی و به نفع کالاهای غیرقابل‌مبادله یعنی خدمات و ساختمان در آن دوره، زمینه‌ساز بروز بیماری هلندی به اقتصاد کشور گردید.^۲

^۱ برگرفته از مطالعات شاکری و همکاران (۱۳۹۲)، آهنگری و همکاران (۱۳۹۴).

^۲ مطابق با محاسبات انجام شده طی دوره ۵۷-۱۳۵۲، نسبت تولید کالاهای غیرقابل‌مبادله به قابل‌مبادله از ۲,۱ به ۳ افزایش یافته است.

تحلیلگران مسائل اقتصاد سیاسی بر این باورند که رشد بیش از حد درآمدهای ارزی دولت از محل فروش نفت در دهه ۸۰ بار دیگر شرایط را برای پیدایش بیماری هلندی در اقتصاد ایران فراهم کرد. در واقع، درآمدهای نفتی کشور طی دوره ۸۶-۱۳۸۱، روند صعودی و نسبتاً باثباتی داشت و از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۱ به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۶ رسید. اما پس از آن با بروز بحران مالی جهانی (۱۳۸۷) و پیامدهای رکودی آن، قیمت نفت در بازار جهانی با کاهش شدیدی مواجه گردید و در نتیجه درآمد کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران، با کاهش قابل ملاحظه‌ای مواجه شد. از این رو، با بروز بحران مذکور، درآمدهای نفتی کشور روند نزولی به خود گرفت و از بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار به کمتر از ۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۸ کاهش یافت. سپس با توجه به افزایش قیمت نفت و ثبات بازار آن، درآمدهای نفتی مجدداً روند افزایشی به خود گرفت و در سال ۱۳۹۰ اقتصاد ایران بیشترین میزان درآمدهای ارزی را در طول تاریخ خود را کسب کرد.^۱ در طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ نیز اقتصاد کشور درگیر مسأله تحریم‌های آمریکا بود و تسلط فضای تحریمی بر اقتصاد کشور موجب کاهش درآمدهای صادراتی از محل نفت شد. از این رو می‌توان نیمه اول دهه هشتم که در طی آن سال‌ها به‌طور پیوسته درآمدهای قابل حصول نفتی کشور افزایش یافته است و اقتصاد کشور شاهد شکوفایی بخش نفت بوده، به‌عنوان سال‌هایی در نظر گرفت که بستر ساز بروز پدیده بیماری هلندی بر اقتصاد می‌باشد.

بررسی صورت گرفته در رابطه با نحوه تزریق درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت به اقتصاد کشور در دهه ۸۰ حاکی از آن است که در این دوره نیز درآمدهای ارزی نفت، شاید حتی با شدت بیشتری نسبت به تجربه قبل، به اقتصاد کشور تزریق گردید. در این دوره زمانی نیز، واردات ارزان با ثبات نگه داشتن نرخ برابری ریال به ارزهای خارجی، با آهنگ بی‌سابقه‌ای رشد کرد و به تولیدکنندگان داخلی که به علت تورم هزینه‌هایشان بالا رفته بود و توان رقابت با کالاهای ارزان خارجی را نداشتند آسیب جدی وارد ساخت و اعتبارات ارزان و یارانه‌ای با رانتهای عظیمی که به همراه داشت منابع مالی کشور را به هزینه‌های بدون بازدهی تبدیل کرد.

^۱ زمان‌زاده (۱۳۹۰)

از این رو، رشد اقتصادی کشور در نیمه دوم دهه ۸۰ نسبت به نیمه اول، نزدیک به ۳ درصد افت کرد. این وضعیت در شرایطی رخ داد که تا آن زمان سایه سنگین تحریم‌های یک‌جانبه بر اقتصاد کشور سنگینی نمی‌کرد. همچنین، در این دوره حدود ۲۵۰۰ بنگاه صنعتی تعطیل شد و نیروی کار از بخش صنعت به بخش ساختمان منتقل شد و از تعداد شاغلان بخش صنعت کاسته شد.^۱ بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت در دهه ۱۳۵۰ و نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، همگام با افزایش قیمت نفت و تزریق بی‌مهابای این نوع از درآمدها به اقتصاد کشور، اتخاذ سیاست‌های مالی انبساطی، روآوری افراطی به واردات و اجرای طرح‌های غیر کارشناسی، اقتصاد کشور را در دام بیماری هلندی گرفتار کرد. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، وفور درآمدهای نفتی چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب با ایجاد این ذهنیت در نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع که به واسطه این درآمدها می‌توان نیل به توسعه را سرعت بخشید، موجب شد این منابع بدون برنامه و در ابعاد گسترده‌ای به اقتصاد کشور تزریق گردد و در پیش گرفتن این رویه نه تنها اقتصاد کشور را به درآمدهای نفتی وابسته کرد، بلکه با بروز عوارض بیماری هلندی، اقتصاد کشور را در دور باطل توسعه نیافتگی گرفتار کرد. در ادامه به منظور دستیابی به تصویر واضح‌تر از زمینه‌های بروز بیماری هلندی و پیامدهای حاصل از آن ضمن واکاوی روند برخی از شاخص‌های توضیح‌دهنده وقوع بیماری هلندی در دهه ۱۳۸۰، سعی می‌شود برخی از عوارض و پیامدهای بروز این پدیده به اقتصاد کشور تشریح شود.^۲

شواهدی از پیدایش بیماری هلندی در اقتصاد ایران

همان‌طور که در نمودار شماره ۱، مشاهده می‌شود، همگام با شکوفایی درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور طی دوره ۸۷-۱۳۸۰، روند نسبت قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله^۳، تقریباً افزایشی بوده است؛ به طوری که مقدار این نسبت در سال ۱۳۸۷ بالاتر از رقم آن در سال ۱۳۸۰ است و می‌تواند گواهی بر پیدایش بیماری هلندی در اقتصاد کشور در مقطع زمانی مورد اشاره باشد. اما همان‌طور که

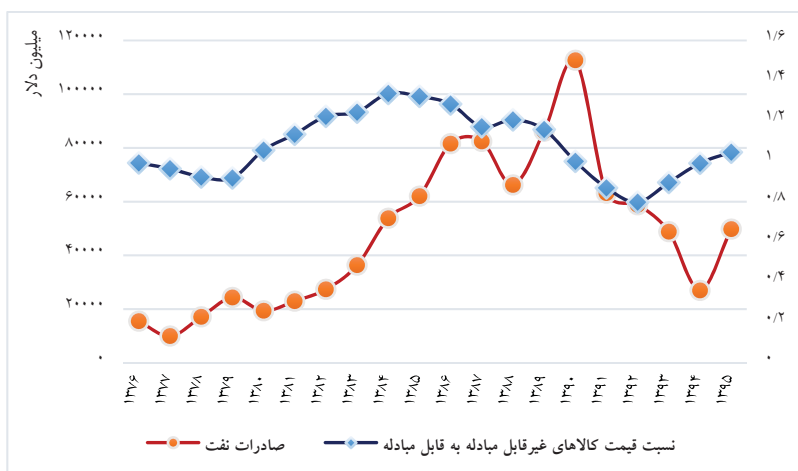
^۱ گلبن و راهنا (۱۳۹۴)

^۲ به علت عدم وجود آمار پیوسته در زمینه شاخص قیمت‌ها، تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۹۰، بودجه دولت در دوره زمانی ۹۵-۱۳۵۲، تنها تجربه کشور در دهه ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۳ شاخص نسبت قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله، از تقسیم شاخص قیمت تولیدکننده بخش خدمات به میانگین شاخص قیمت تولیدکننده بخش کشاورزی و صنعت بدست آمده است.

پیش‌تر بیان شد مسائل اقتصادی اغلب مسائلی چندبعدی و چند علتی می‌باشند و لذا، برای شناسایی بیماری هلندی نیاز است از شاخص‌های گوناگونی استفاده شود تا مشخص گردد که در عمل بیماری هلندی اتفاق افتاده است یا نه. از این‌رو، در ادامه به‌منظور اطمینان از این موضوع روند برخی دیگر از شاخص‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نمودار ۱- روند درآمدهای نفت و شاخص قیمت کالاهای غیرقابل‌مبادله به قابل‌مبادله

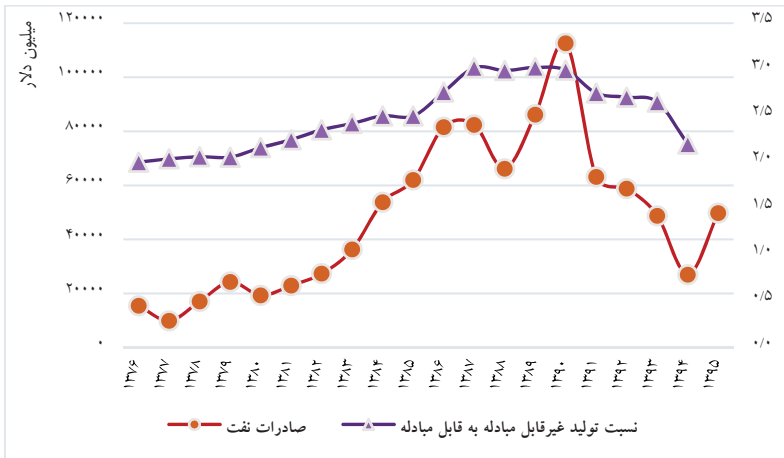


مأخذ: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی.

پیش‌تر توضیح داده شد که افزایش قیمت کالاهای غیرقابل‌مبادله نسبت به کالاهای قابل‌مبادله، حرکت عوامل تولید از بخش قابل‌مبادله (صنعت و کشاورزی) به سمت بخش‌های غیرقابل‌مبادله (ساختمان و خدمات) را موجب می‌شود و این مسأله تضعیف بخش‌های صنعت و کشاورزی را در پی دارد. همان‌طور که در نمودار شماره ۲، ملاحظه می‌شود همگام با شکوفایی بخش نفت در دهه ۱۳۸۰، این نشانه بیماری هلندی نیز نمود پیدا کرده است، به این معنا که ترکیب تولید به ضرر کالاهای قابل‌مبادله شامل محصولات صنعتی و کشاورزی و به نفع کالاهای غیرقابل‌مبادله شامل خدمات و

ساختمان تغییر کرده است.^۱ در واقع مشاهده می‌شود، هم‌زمان با شکوفایی بخش نفت و تزریق بیشتر درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور در دهه ۱۳۸۰، نشانه‌های بیماری هلندی (افزایش تولید کالاهای غیرقابل مبادله نسبت به کالاهای قابل مبادله) نیز بیشتر نمایان شده و این امر آثار منفی خود را بر ساختار اقتصادی کشور برجای گذاشته است. از زاویه‌های دیگر، این نتیجه، بر اساس آمار ارائه شده در نمودار شماره ۳، قابل تأیید است.

نمودار ۲- روند درآمدهای نفت و شاخص میزان تولید کالاهای غیرقابل مبادله به قابل مبادله



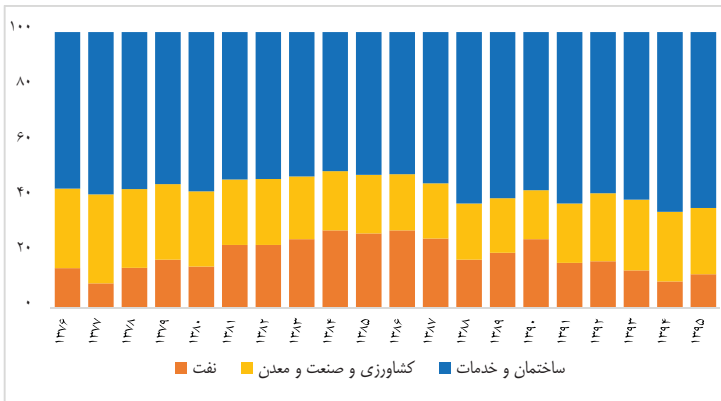
مأخذ: محاسبات پژوهش بر اساس داده‌های بانک مرکزی.

در نمودار شماره ۳ نیز مشاهده می‌شود افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی و مدیریت ناصحیح این درآمدهای بادآورده در نیمه دوم دهه ۸۰، با تغییر ترکیب تولید به نفع بخش‌های غیرقابل مبادله ساختمان و خدمات، به ضرر بخش‌های قابل مبادله اقتصاد عمل کرد. زیرا، تزریق بی‌مهابای این درآمدها به اقتصاد، با ایجاد فشار برافزایش قیمت‌ها موجب شد که دولت فشار وارد شده بر قیمت کالاهای قابل مبادله را با استفاده از واردات کنترل کند، اما فشار وارد شده بر قیمت مسکن و خدمات

^۱ شاخص نسبت تولید کالاهای غیرقابل مبادله به کالاهای قابل مبادله، از تقسیم تولید بخش‌های خدمات و ساختمان به تولید بخش‌های کشاورزی و صنعت بدست آمده است.

قابل کنترل نبوده و این درنهایت به ضرر تولید صنعتی و کشاورزی تمام شده است. از این رو، همان طور که در نمودار شماره ۳، مشاهده می شود در این سال ها هم زمان با کاهش سهم صنعت و کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، سهم بخش خدمات و مسکن افزایش یافته است و این امر حکایت از بروز بیماری هلند بر اقتصاد کشور از سال ۱۳۸۵ به بعد دارد. در ادامه به منظور دستیابی به تصویری جامع از آثار وقوع بیماری هلندی بر اقتصاد، به برخی از مهم ترین پیامدهای بروز بیماری هلندی در کشور پرداخته می شود.

نمودار ۳- سهم ارزش افزوده بخش ها از GDP به قیمت جاری



مأخذ: بانک مرکزی.

پیامدهای وقوع بیماری هلندی بر اقتصاد ایران

اهم پیامدهای بروز بیماری هلندی بر اقتصاد کشور در دهه ۱۳۸۰ عبارت است از:

تضعیف رقابت پذیری فعالیت های تولیدی قابل مبادله

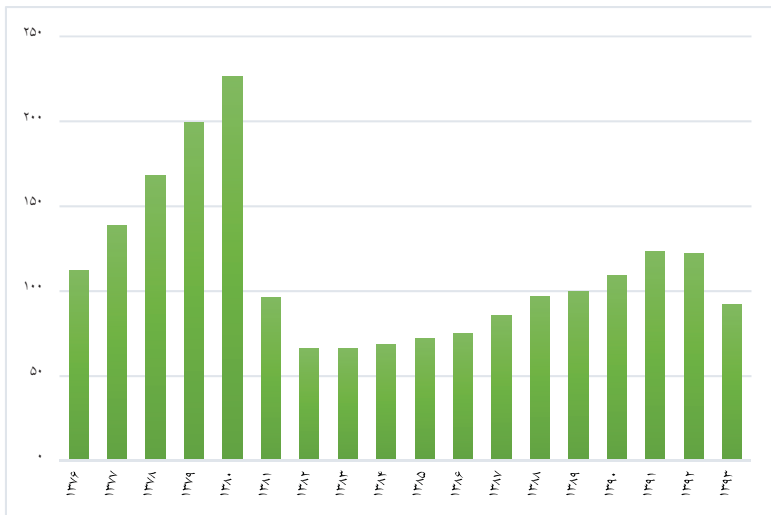
همان طور که پیش تر بیان شد مهم ترین پیامد بیماری هلندی تضعیف رقابت پذیری فعالیت های تولیدی قابل مبادله است. به منظور بررسی وقوع این پیامد، روند نرخ ارز واقعی مؤثر^۱ در نمودار شماره ۴، به تصویر کشیده شده است. از آنجاکه این شاخص عبارت است از متوسط وزنی شاخص واقعی ارز در ایران و کلیه کشورهایی که با ایران مبادلات تجاری دارند و قیمت های نسبی کالاهای غیر مبادلاتی

^۱ Real Effective Exchange Rate (REER)



را در قیاس با کالاهای مبادلاتی شرکای تجاری می‌سنجد^۱. لذا، افزایش این شاخص در دهه ۸۰ به معنی رشد قیمت کالاهای غیر مبادلاتی کشور نسبت به متوسط قیمت کالاهای مبادلاتی شرکای تجاری است و بیانگر آن است که همگام با افزایش درآمدهای نفتی، قدرت رقابت‌پذیری کشور در مقابل شرکای تجاری کاهش یافته است^۲.

نمودار ۴- روند نرخ ارز واقعی مؤثر برحسب سال پایه ۱۳۸۹



Source: World Bank

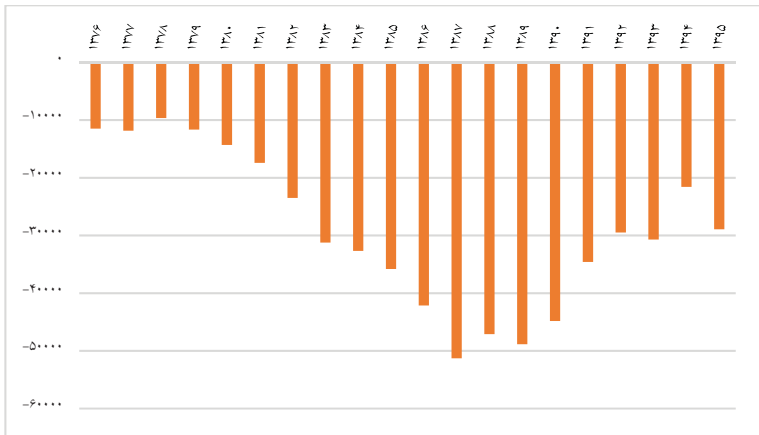
به عبارت دیگر، از آنجاکه صادرات تابعی نزولی از نرخ ارز واقعی است و واردات تابع صعودی از آن است، لذا افزایش این نرخ، منجر به ارزان شدن واردات و تضعیف بخش‌های رقیب واردات می‌شود و از این‌گذر قدرت رقابت‌پذیری کشور در مقابل شرکای تجاری را کاهش می‌دهد. از این‌رو، بررسی تراز تجاری غیرنفتی در دهه ۸۰، گویای آن است که مقارن با افزایش درآمدهای نفتی و بروز بیماری هلندی به

^۱ منوچهری‌راد و شمس‌قارنه (۱۳۹۲)

^۲ افت قابل توجه این شاخص در سال ۱۳۸۱، به علت پیگیری سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در آن سال اتفاق افتاده است.

اقتصاد کشور، بر گستره کسری تراز تجاری بدون نفت افزوده شده و رابطه مبادله نامتوازن تر گردیده است که دلالت بر تضعیف قدرت رقابت پذیری کشور در مقابل رقبای تجاری دارد.

نمودار ۵- تراز تجاری غیرنفتی (واحد: میلیون دلار)



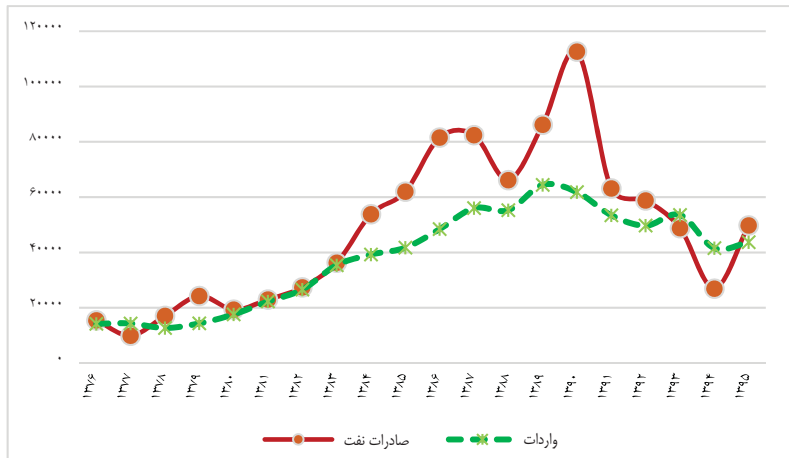
مأخذ: بانک مرکزی.

افزایش واردات

افزایش واردات و به طور مشخص واردات مصرفی، یکی از پیامدهای بروز بیماری هلندی در اقتصاد است. همان طور که در نمودار شماره ۶ مشاهده می شود با افزایش درآمدهای حاصل از صادرات نفت، واردات در هر سال نسبت به سال قبل، رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. به نحوی که مقدار واردات به لحاظ ارزش از ۱۴۱۹۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۶ به ۵۶۰۴۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است. از زاویه ای دیگر بررسی سهم واردات به تفکیک محصولات گویای آن است که سهم واردات کالاهای مصرفی از کل واردات گمرکی از ۸ درصد در سال ۱۳۸۰، به ۱۵ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. یعنی واردات مصرفی در طی یک دوره ۵ ساله دو برابر شده است. همچنین، مقایسه رشد واردات کالاها بر اساس نوع مصرف در طی دوره مذکور نشان می دهد، میانگین رشد واردات کالاهای مصرفی ۳۳٫۹ درصد، میانگین رشد واردات کالاهای سرمایه ای ۲۶٫۳ درصد و میانگین رشد واردات کالاهای اولیه و واسطه ای ۱۹٫۳ درصد بوده است. این آمار به وضوح نشان

می‌دهد، بروز بیماری هلندی در اقتصاد کشور، نه تنها به افزایش واردات دامن زده است، بلکه ترکیب واردات را به نفع واردات کالاهای مصرفی تغییر داده است.

نمودار ۶- روند درآمدهای نفت و واردات گمرکی (واحد: میلیون دلار)



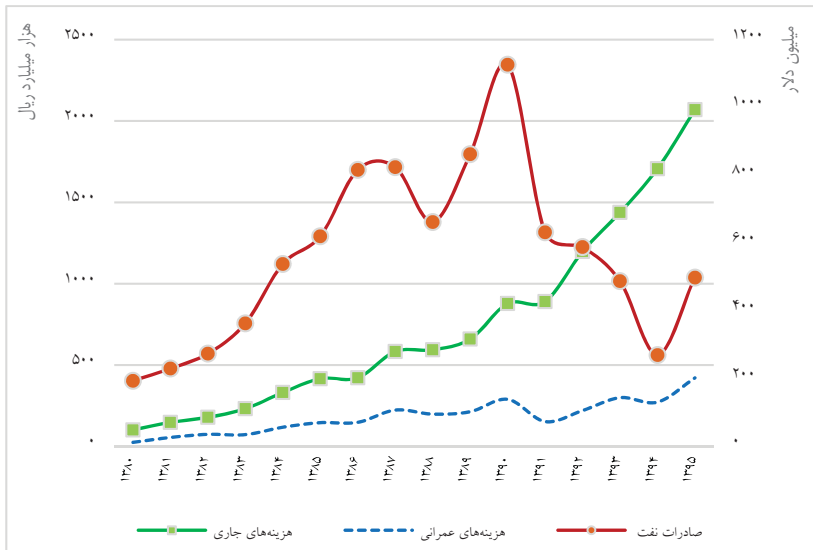
مأخذ: بانک مرکزی.

توسعه مبتنی بر نفت

شکوفایی درآمدهای نفتی با تسلط مناسبات کوتاه‌نگرانه بر متولیان اقتصاد کلان موجب ایجاد این توهم می‌شود که با تخصیص ارزهای ناشی از صادرات نفت به اقتصاد می‌توان هر تنگنایی را برطرف کرد. از این گذر دولت شروع به تزریق درآمدهای نفتی به تمام بخش‌های اقتصادی می‌کند و این امر موجب می‌شود که متناسب با افزایش عواید نفتی، حجم دولت و مداخله آن در اقتصاد افزایش یابد. با مشاهده نمودار شماره ۷، این نتیجه حاصل می‌شود که میزان مخارج دولت رابطه مستقیمی با درآمدهای نفتی داشته و همگام با افزایش درآمدهای نفتی، پرداخت‌های جاری و عمرانی دولت نیز افزایش یافته است. این روند، به‌ویژه در ارتباط با پرداخت‌های جاری دولت شدت بیشتری یافته است، چراکه مشاهده می‌شود با کاهش درآمدهای نفتی، پرداخت‌های عمرانی کاهش یافته و یا رشد

کمتری را نسبت به پرداخت‌های جاری داشته است، درحالی‌که پرداخت‌های جاری همیشه رو به افزایش بوده است.

نمودار ۷- تأثیرپذیری مخارج جاری و عمرانی دولت از درآمدهای نفتی



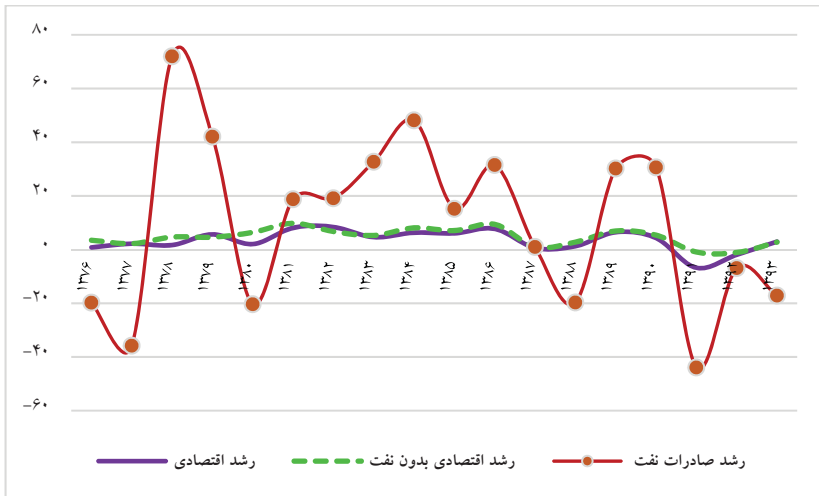
مأخذ: بانک مرکزی.

تزیق درآمدهای نفتی و در پی آن وابستگی بودجه دولت به این درآمدها از یک‌سو، موجی از رانت جویی را در دستگاه‌های دولتی و اشخاص و بنگاه‌های مرتبط با این دستگاه‌ها راه می‌اندازد که بر حفظ وضع موجود تأکید دارند و نتیجه آن تداوم وابستگی مالیه دولت به درآمدهای نفتی است و از سوی دیگر، چسبندگی و انعطاف‌ناپذیری بودن هزینه‌های جاری موجب می‌شود، نوسان صورت گرفته در قیمت نفت کمتر این نوع از هزینه‌های دولت را متأثر سازد و همان‌طور که مشاهده شد، کاهش درآمدهای نفتی علاوه بر اینکه هزینه‌های عمرانی را متأثر می‌سازد و برنامه‌ریزی دولت در گسترش ظرفیت‌های توسعه‌ای کشور را با اختلال مواجه می‌سازد، به کسری بودجه دولت دامن می‌زند و باعث می‌شود که آثار نوسان در درآمدهای نفتی بی‌هیچ کم و کاستی از طریق سیاست‌های مالی و بودجه‌ای دولت به اقتصاد کشور انتقال پیدا کند.

رشد اقتصادی ناپایدار

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که بروز بیماری هلندی و عوارض آن بر اقتصاد با سازوکارهایی که شرح داده شد، موجب می‌شود که رشد اقتصادی بی‌ثبات و وابسته به درآمدهای نفتی باشد. تغییرات رشد اقتصادی و درآمدهای نفتی در نمودار شماره ۸، نشان داده شده است.

نمودار ۸- تأثیرپذیری رشد اقتصادی از رشد درآمدهای نفتی (واحد: درصد)



مأخذ: بانک مرکزی.

با توجه به نمودار مشاهده می‌شود که نوسانات درآمدهای نفتی منجر به نوسانات رشد اقتصادی شده است. بدین صورت که با افزایش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی نیز افزایش یافته و با کاهش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی به تبعیت از درآمدهای نفتی کاهش یافته است. همچنین به علت اینکه درآمدهای نفتی فزاینده ارتباط متناسبی با سایر بخش‌های اقتصادی نداشته است، نتوانسته رشد باثبات و متناسبی در روند تولید ناخالص داخلی به همراه آورد. بر این اساس در طی دوره موردبررسی رشد تولید ناخالص داخلی همواره بی‌ثبات و محدود بوده است.

این شواهد گویای این حقیقت است که اقتصاد ایران با درآمدهای نفتی حرکت کرده و وابسته به درآمدهای نفت است. در واقع، وابستگی اقتصاد کشور به این درآمدها، موجب شده که نوسانات

قیمت نفت، سبب نوسانات مهمی در اقتصاد کشور گردد. به نحوی که با ایجاد نا اطمینانی در فعالان اقتصادی نسبت به آینده بازار، به کوچک شدن صنایع قابل تجارت و کاهش رقابت پذیری این صنایع در مقابل شرکای تجاری دامن زده است.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه منابع طبیعی و رانت حاصل از آن ذاتاً نمی‌تواند اثرات منفی و بازدارنده‌ای بر رشد اقتصادی داشته باشد. لذا، وفور منابع طبیعی در هر کشوری موهبت محسوب می‌شود و آنچه موجب بیماری‌زایی این منابع در اقتصاد می‌شود، نحوه استفاده از درآمدهای ارزی حاصل از فروش و صادرات آنها می‌باشد. هرچند شواهد غیرقابل انکاری در مورد اثرات مخرب درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه وجود دارد، اما کشورهایی نظیر نروژ وجود دارند که با بهره‌گیری خردمندانه از این مواهب توانسته‌اند از دستاوردهای مثبت آن بهره‌مند شوند. بنابراین نحوه برخورد با درآمدهای حاصل از صدور منابع طبیعی است که می‌تواند بر ظهور و بروز بیماری هلندی مؤثر باشد. در این خصوص لازم است سیاست‌هایی اتخاذ و تدابیری اندیشیده شود که از انتقال افزایش تقاضای ناشی شده از رونق منابع طبیعی، به بازار کالاها و خدمات جلوگیری کند. عمده‌ترین راهبردهایی که در این زمینه می‌توان اتخاذ کرد عبارت‌اند از:

- توجه سیاست‌گذار به موقتی بودن شکوفایی ایجادشده در درآمدهای نفتی و مدیریت راهبردی این منابع، مهم‌ترین راه برای پیشگیری از بروز بیماری هلندی به اقتصاد کشور است.
- استفاده بهینه از منابع حاصل از صادرات منابع طبیعی نظیر سرمایه‌گذاری این منابع در گزینه‌های سودآور، ذخیره این منابع در صندوق‌های سرمایه، تخصیص این منابع به امور زیر بنایی و عدم نگاه بودجه‌ای به این نوع از منابع (تخصیص بابت هزینه‌های جاری دولت)، می‌تواند ضمن جلوگیری از زمینه‌های بروز بیماری هلندی، موهبت منابع را به ارمغان آورد و نیل به توسعه را تسریع بخشد. همانطور که تجربه برخی از کشورهای غنی از منابع طبیعی همچون نروژ، امارات، کویت و... گواهی بر این ادعاست.



- ترکیب مخارج دولتی، به‌شدت برطرف عرضه اقتصاد تأثیرگذار است. از این‌رو، درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی باید در جهتی خرج شود که به تنوع تولید و صادرات بینجامد تا در زمان کاهش درآمدهای حاصل از صادرات منابع طبیعی و یا اتمام این منابع، اقتصاد دچار نوسان و شوک شدید نگردد.
- کنترل سرعت افزایش تقاضای کل، یکی از راهبردهای مرسوم به‌منظور کاستن از آثار زیان‌بار بیماری هلندی است. این کار می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در خارج یا کاهش سطح بهره‌برداری از ذخایر صورت پذیرد. راه دیگر، ایجاد صندوق ذخایر ارزی برای مواقع بحرانی است. از آنجاکه تجربه کشور در این زمینه گویای انتخاب راه سوم است، در این راستا جلوگیری از برداشت دولت از منابع صندوق پیشنهاد می‌شود.
- تغییر نگرش مسئولان از نگاه مصرفی به درآمدهای حاصل از فروش نفت به نگاه سرمایه‌ای، به‌واسطه ایجاد مقدمات نهادی- قانونی و همچنین سازمانی- اجرایی از دیگر راهکارهایی است که می‌تواند از بروز بیماری هلندی به اقتصاد جلوگیری کند. این امر از یک‌سو مستلزم بازتعریف وظیفه و حیطه قدرت دولت در ارتباط با حقوق مالکیت و نیز کاهش تدریجی وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی است.
- درنهایت باید تأکید کرد که ضروری است سیاست‌گذاران برای ارتقاء فضای سرمایه‌گذاری و محیط کسب‌وکار به‌منظور تنوع‌بخشی و ایجاد رشد پایدار و تدریجی در بخش غیرنفتی اقتصاد تلاش کنند. استخراج ذخایر نفتی کشور اگرچه همان بهره‌مندی از مواهب طبیعی است اما از آنجاکه منابع طبیعی یک ثروت بین نسلی محسوب می‌شود باید در کنار بهره‌مندی نسل فعلی از این مواهب، ذخیره کردن این درآمدها در صندوق توسعه ملی و سرمایه‌گذاری این منابع در دارایی‌های دارای بازده اقتصادی همچون نروژ، نسل‌های آینده را نیز از این مواهب بهره‌مند ساخت.

منابع فارسی

۱. اله قلی، محیا (۱۳۹۰)، اثر نهادها در تبدیل نفرین منابع به موهبت، آثار بودجه‌ای رونق نفتی: مقایسه تطبیقی دو شوک درآمدی دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۸۰ بر اقتصاد ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. آهنگری عبدالمجید، محمدرضا رضایی و یلدا جوکار (۱۳۹۴)، بررسی تاریخی نقش نفت در اقتصاد ایران با تأکید بر بیماری هلندی (درس‌هایی برای آینده)، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده.
۳. پناهی نژاد، هدی و سعیده شفیعی (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی عملکرد صندوق‌های مدیریت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در کشورهای مختلف، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۴. جهانی راثینی، پروانه، امیر مرتضوی و محمدمهدی مجاهدی (۱۳۸۴)، بررسی آثار درآمدهای نفتی بر اقتصاد ایران (به‌عنوان موردی مشابه بیماری هلندی)، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۳۹ و ۴۰.
۵. خضری، محمد (۱۳۸۸)، بیماری هلندی و ضرورت استفاده درست از درآمدهای نفتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۶.
۶. رضاییان جویباری، اعظم (۱۳۹۴)، بررسی نقش بیماری هلندی در صادرات بخش کشاورزی در ایران و کشورهای منتخب اسلامی، چهارمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت با رویکرد کاربردی و پژوهشی نوین.
۷. رمضان زاده ولیس، گلروز و فرشاد مومنی (۱۳۹۲)، پدیده کوتاه‌نگری در اقتصادهای نفتی با سرمایه ناکافی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۹، شماره ۵۱.
۸. زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۰)، یک دهه عملکرد اقتصاد ایران در آیین شاخص‌های کلان اقتصادی، فصلنامه تازه‌های اقتصادی، سال هشتم، شماره ۱۲۹.
۹. سلامتی، مرتضی، عزیز احمدزاده و روح‌الله شهنازی (۱۳۸۶)، اثر منابع طبیعی بر اقتصاد کشورهای اوپک و چند کشور منتخب، فصلنامه جستارهای اقتصادی، سال چهارم، شماره ۷ و ۸.
۱۰. شاکری، عباس، تیمور محمدی، حمید ناظم‌ان، جواد طاهر پور (۱۳۹۲)، بررسی رخدادهای بیماری هلندی در اقتصاد ایران و اثر آن بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۳، شماره ۵۰.
۱۱. طاهرپور، جواد (۱۳۹۲)، بررسی رخدادهای بیماری هلندی در اقتصاد ایران و اثر آن بر رشد اقتصادی، پایان‌نامه دکترا، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد.
۱۲. عظیمی دخت، سید محسن، لیلا احمدی مالوانی (۱۳۹۴)، اثرات بیماری هلندی بر بودجه کشور، اولین همایش بین‌المللی حسابداری، حسابرسی، مدیریت و اقتصاد.

۱۳. کارل، تری لین (۱۳۸۸)، معمای فراوانی؛ رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی، ترجمه جعفر خیرخواهان، تهران نشر نی.
۱۴. کهزادی، نوروز (۱۳۸۴)، بررسی تجارب کشورها در اداره صندوق‌های ذخیره ارزی، بانک توسعه صادرات ایران و صندوق ضمانت ایران.
۱۵. گلبن، سارا و فاطمه راهنما (۱۳۹۴)، پیشگیری از بیماری هلندی پس از توافق هسته‌ای، ششمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و علوم مهندسی.
۱۶. منصف، عبدالعلی (۱۳۸۷)، بیماری هلندی و ساختار بازار سیاسی، فصلنامه اقتصاد و جامعه، سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸.
۱۷. منوچهری راد، رضا و ناصر شمس قارنه (۱۳۹۲)، بیماری هلندی در اقتصاد ایران، انتشارات دنیای اقتصاد.
۱۸. مومنی، فرشاد (۱۳۸۵)، اقتصاد سیاسی نگرش مالی به ارز نفت در توسعه، فصلنامه فرهنگ اندیشه اقتصادی، شماره ۵۰.
۱۹. مومنی، فرشاد (۱۳۸۷)، نحوه مواجهه با مازاد درآمد نفتی در سه تجربه جهش قیمت نفت، فصلنامه اقتصاد و جامعه، سال پنجم، شماره ۱۷ و ۱۸.

منابع لاتین

1. The Sovereign Wealth Fund Institute (SWF), 2015.



فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟

□ عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقید؟

□ بلی □ خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه های بعدی بروشور چیست؟

.....

.....

.....

۴- از نظر شما در نسخه های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

.....

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

.....

.....

لطفاً این فرم را پس از تکمیل جدا نموده و به دفتر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران تحویل فرمایید.

